

# پایان زندگی مخفیانه قاتل فراری در تهران

از گروه حوادث - مرد جوانی که هفت سال قبل پس از ارتکاب قتل در شهرستان کرمانشاه به تهران گریخته بود، شناسایی و بازداشت شد. سال ۱۳۹۳ بود که به مأموران پلیس شهرستان کرمانشاه خبر رسید در یکی از محله‌های شهر بین افراد دو طایفه درگیری خونینی رخ داده است. با اعلام این خبر تیمی از مأموران پلیس راهی محل شدند و دریافتند در این درگیری پسر جوانی با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده و چند نفر دیگر هم زخمی و راهی بیمارستان شده‌اند. بررسی‌های مأموران پلیس حکایت از آن داشت که طایفه از قدیم باهم اختلاف داشته و هر از گاهی هم باهم درگیری می‌شوند. تحقیقات میدانی نشان داد عامل قتل پسر جوانی به نام کامیار است که پس از حادثه به مکان نامعلومی می‌گریخته است. بدین ترتیب مأموران کامیار را به عنوان مظنون به قتل تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه مدتی بعد وی را در مخفیگاهش دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند.

**فرار از زندان**  
متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و راهی زندان شد و پرونده وی هم پس از تکمیل شدن برای رسیدگی

هفت ساله قاتل فراری را بر ملا کرد. وی گفت: من اهل کرمانشاه هستم که چند روز قبل برای انجام کاری به تهران آمدم و قرار بود به زودی به شهرمان برگردم. یک روز قبل حوالی بازار در حال خرید بودم که چشمم به مرد جوانی افتاد که چهره‌اش خیلی آشنا بود. آرام‌به‌آرام نزدیک شدم، اما با اینکه قیافه‌اش آشنا بود او را به جانیاوردم. فکر کردم اشتباهی گرفته‌ام، اما ناگهان همان لحظه درگیری هفت‌سال قبل که بین طایفه ما و طایفه دیگری رخ داده بود به ذهنم جرقه زد و صحنه قتل یکی از دوستانم را به یاد آوردم که ۱۸ ضربه چاقو بدست یکی از اعضای طایفه مقابل که کامیار نام داشت به قتل رسید. دوباره برگشتم به مرد آشنا نگاه کردم که فهمیدم او کامیار است که هفت سال است پلیس در تعقیب او است.

**قتل اول**  
وی ادامه داد: کامیار پسر شروری بود و در شهر ماه همه زور می‌گفت و از طرفی هم پدرش پولدار بود و نفوذ زیادی در بین مردم داشت و همیشه هم با پول پدرش مشکلاتش را رفع و رجوع می‌کرد. او در سال ۹۱ با پسر جوانی اختلاف پیدا کرد که بعد از مدتی با خودروی نسیانش همان پسر را زیر گرفت و



به قتل رساند. پس از این مأموران او را دستگیر کردند و کامیار هم در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد و گفت که عمده پسر جوان را زیر گرفته است، اما در بازجویی‌های بعدی جرم خود را انکار کرد و مدعی شد که حادثه مرگبار یک تصادف بوده و در نهایت هم پس از پرداخت دیه از زندان آزاد شد.

**قتل دوم**  
ما همه فکر می‌کردیم او پس از آزادی پسر سر به راهی شده و سرش به زندگی اش گرم می‌شود، اما اشتباه فکر می‌کردیم، چون او دوباره قتل‌رزی‌هایش را شروع کرد و سعی می‌کرد از همه زهر چشم بگیرد تا اینکه در سال ۹۳ بین طایفه ما و طایفه او درگیری رخ داد. در آن درگیری کامیار ۱۸ ضربه چاقو یکی از دوستان ما را کشت و فرار کرد، اما زود به دام افتاد و در دادگاه هم به قصاص محکوم شد تا اینکه روزی هنگام انتقال به دادگاه با همدستی چند شرور دیگر موفق به فرار شد. پس از این همه شایعه کرده بودند که او به صورت غیرقانونی از مرز خارج شده است و بعضی‌ها هم می‌گفتند که او با چهره جدید و هویت جعلی زندگی مخفیانه‌ای را در یکی از شهرهای ایران آغاز کرده است. روز قبل وقتی

## من باردار بودم و او به خواستگاری دختران پولدار می‌رفت!

دیرستان ترک تحصیل کردم. بعد از این ماجرا بود که تصمیم گرفتم برای کمک به وضعیت اقتصادی خانواده سر کار بروم. این بود که با کمک یکی از آقایان منشی یک شرکت خصوصی شدم و با درآمد سعی می‌کردم آن‌چه را در کودکی دوست داشتم و برایم آرزو بود، خریداری کنم. به همین دلیل تعداد زیادی عروسک و لوازم بازی خریدم و در گوشه و کنار اتاقم نصب کردم. در همین روزها بود که توسط یکی از دوستانم با پارسان آشنا شدم. او پسری پولدار و خوش تیپ بود که نگاه جذابی داشت. با آن که او ۱۰ سال از من بزرگ تر بود ولی من چندان دل باخته اش شدم که سر تعظیم در برابرش فرود می‌آوردم. هیچ گاه در برابر خواسته‌هایش «نه» نمی‌گفتم و هر کاری از من می‌خواستش برایش انجام می‌دادم چرا که تصور می‌کردم او مانند جوانان امروز به دنبال کارهای پیهوده یا هوسرانی خیالی نیست اما خیلی زود به اشتباهم پی بردم. من زمانی فهمیدم او فقط به دنبال عیاشی و خوش گذرانی است که دیگر خیلی دیر شده بود و من آینده و هستی ام را از دست داده بودم.

خلاصه در پی همین مشکلات و جلوگیری از یک آبروریزی و رسوایی بزرگ مجبور شد مرا عقد کند ولی نه مهریه ای داشتند و نه هیچ کدام از اعضای خانواده پارسا در مراسم عقدکنان من در محضر ثبت ازدواج حاضر بودند. بالاخره با اصرار و التماس‌های من و بدون برگزاری هیچ گونه مراسمی در تنهایی و غربت زندگی مشترکم را آغاز کردم.

او آپارتمان کوچکی را در منطقه قاسم آباد برای اجاره

گروه حوادث - زن ۲۳ ساله برده از زندگی شوم خود برداشت. او به خاطر عشق و عاشقی‌های خیالی و با اصرارهای من مجبور شد با من ازدواج کند اما زمانی که فهمید باردار هستم مرا زیر مشت و لگد گرفت و گفت «خودت برای من ارزشی نداری، بچه‌ات را می‌خواهم چه کار کنی!» اما شرایطی به وجود آمد که ...

زن ۲۳ ساله با بیان این که طلاق بهترین راه برای حفظ جان فرزندم است، ناگهان بغض در گلو مانده‌اش را فرو شکست و در میان گریه، سرگشتگی تلخ خود را به واژه‌ها و کلمات دردناکی سپرد که سال‌ها آزارش می‌داد. این زن جوان در حالی که آثار هولناک کتک کاری‌های همسرش در نقاط مختلف پیکرش نمایان بود، به کارشناس اجتماعی کلاتری قاسم آباد مشهد گفت: پدرم هنرمند قلم‌زنی بود و در یکی از سازمان‌های نیمه دولتی فعالیت داشت.

همسر اول پدرم به خاطر بیماری فوت کرده بود و او در حالی با مادرم ازدواج کرد که ۲۰ سال تفاوت سنی داشتند. با آن که مادرم اندکی معلولیت جسمی داشت اما زنی بسیار مهربان و خوش باور بود. من فرزند اول آن‌ها هستم اما خواهر کوچک‌ترم به بیماری حاد جسمی و ذهنی مبتلاست. با آن که پدرم هزینه‌های زیادی را برای درمان خواهرم می‌پرداخت و او ضایع مالی خوبی داشتیم ولی زندگی خوب و شیرینی را تجربه می‌کردیم تا این که برادرم در چهار سالگی به خاطر مشکلات قلبی از دنیا رفت و همه ما داغدار شدیم.

به همین دلیل من هم با آن که آرزوهای بزرگی داشتم، دیگر نتوانستم درس بخوانم و بالاخره در کلاس دوم

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: [www.eghtesad-kish.ir](http://www.eghtesad-kish.ir)

## اعتراف زندانی حبس ابدی به قتل در مرخصی کرونایی



صورتش نمایان بود ادامه داد: چند روز بود از زندان بیرون آمده بودم که با برادرم تماس گرفتم تا او را ملاقات کنم. چون همیشه برادرم از من کلاه‌هدی داشت که در مرخصی زندان به دیدن او می‌روم. من آن روز همراه دو ستم‌فروخته خانم رفتم تا قیامت بگیرم. اما یکبار دختری با من تماس گرفت و گفت یک پسر مزاحم او شده است. من او را با دختر مورد علاقه ام اشتباه گرفتم. به همین خاطر بلافاصله به محل قراررفتم. اما آنجا متوجه شدم دختری که با من تماس گرفته دختر مورد علاقه ام نیست اما چون دختر جوان را از قبل می‌شناختم و فهمیدم چند پسر برایش مزاحمت ایجاد کرده‌اند او را مسواز متوثر کردم و از آنجا دور کردم.

وی ادامه داد: من روزی که به مرخصی زندان رفتم متوجه شدم در محله مان یک نفر قمارخانه باز کرده است. به آنجا رفتم و به او گفتم اگر قصد دارد اینجا قمارخانه راه بیندازد باید به من باخ بدهد. او هم به من ۵۰۰ هزار تومان پول داد. آن روز در اقبال گشت به قهوه‌خانه تصمیم گرفتم بار دیگر به آنجا بروم و باخ بگیرم. وقتی به آنجا رسیدم دو نفر به نام های مهدی و سعید به محض روبه‌رو شدن با من شروع به دعوا کردند. آنها مشروب خورده و حال طبیعی نداشتند. من خودم هم مست بودم. آنها شروع به فحاشی کردند و گفتند قصد دارند دعوا به راه بیندازند. من نمی‌خواستم دعوا کنم اما احمد که از قبل او می‌شناختم و در گوشه‌ای دراز کشیده بود یکبار به سمت من حمله ور شد و با لوله جاروبرقی مرا زد. من که مست بودم چاقو کشیدم و چند ضربه به او زدم. این منم در حالی که سرش را پایین انداخته بود گفت: باور کنید من مست بودم و نمی‌دانستم چرا شروع به دعوا کردم. من هیچ اتفاقی با احمد نداشتم و مهدی و سعید دعوا راه

گروه حوادث - مجرم سابقه دار که محکوم به حبس ابد بود در شرایط کرونایی به مرخصی از زندان رفت و دست به جنایت مستانه زد. وی در دادگاه به تشریح جزئیات ماجرا پرداخت گفت با قربانی خصوصی نداشته است.

رسیدگی به این پرونده از یک سال قبل به دنبال وقوع درگیری خونین در قهوه‌خانه‌ای در شرق تهران آغاز شد. در آن درگیری مرد ۳۴ ساله‌ای به نام احمد که چاقو خورده بود به بیمارستان منتقل شد اما دو روز بعد به خاطر شدت جراحات جان سپرد. بررسی‌های نشان می‌داد گنده لاتی به نام کامران دست به جنایت زده است. در تحقیقات پلیس مشخص شد کامران با خاطر حمل مواد مخدر به حبس ابد محکوم شده بود که توانست به خاطر شرایط کرونایی از زندان مرخصی بگیرد و یک هفته بعد دست به قتل بزند. با اطلاعاتی که پلیس به دست آورده بود کامران ردیابی و بازداشت شد و به چاقو کشیدی در قهوه‌خانه اعتراف کرد. وی در شعبه هشم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای جلسه اولیای دم برای وی حکم قصاص خواستند.

وقتی کامران رویه روی قضات ایستاد گفت: چند سال قبل به خاطر حمل مواد مخدر به حبس ابد محکوم شدم و درخواست عفو مطرح کردم. بعد از مدتی درخواست عفو من پذیرفته شد. من دوره محکومیتم را می‌گذراندم که به خاطر شرایط کرونا به مرخصی زندان رفتم. فروردین یک هفته بعد به زندان برگردم اما تصمیم گرفتم دیگر به زندان نبرنگردم و فرار کنم.

این منم که جای بریدگی و بخیه‌های متعدد روی سر و

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۰۶۹۷۴/۰۱ به نام محمد فیضی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۰۶۹۷۳/۰۷ به نام رادین فیضی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

### رهن و فروش

مشاور امین ملکی شما در جزیره زیبای کیش  
۰۹۳۳۶۷۵۰۹۱۴ عمرانی

مرکز خرید آرین فاز ۳ نوبنیاد  
اجاره غرفه همکف، ط اول  
آر ش سعیدی ۰۹۳۴۷۶۹۷۲۰۰

**آگهی تصمیمات شرکت تکران کیش (سهامی خاص)**  
ثبت شده به شماره ۲۴۲۵ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۵۴۰۶۳۹  
به استناد صورت‌جلسات مجمع عمومی بطور فوق العاده و هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ و تأیید مدیر حمل و نقل عمومی کیش به شماره ۱۲۰۰۸/۳۵۰۱۲۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۱ تصمصمات ذیل اتخاذ گردید:  
۱- آقای فرزاد غریب پور باکد ملی ۶۵۵۹۶۱۰۸۹۶ و آقایان احمد رضا غریب پور باکد ملی ۲۲۹۸۷۰۹۷۱۸ و آقای مهدی افراسیابی باکد ملی ۶۵۵۹۸۸۳۳۵۱ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند.  
۲- خانم فاطمه رضایی کرفتی باکد ملی ۲۲۹۸۳۵۱۰۱۵ به عنوان بازرس اصلی و خانم راضیه رضایی به کد ملی ۶۵۵۹۹۷۷۷۱۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند.  
۳- به استناد صورت‌جلسه هیئت مدیره مذکور، آقای فرزاد غریب پور باکد ملی ۶۵۵۹۶۱۰۸۹۶ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره، آقای احمد رضا غریب پور باکد ملی ۲۲۹۸۷۰۹۷۱۸ به سمت رئیس هیئت مدیره، آقای مهدی افراسیابی باکد ملی ۶۵۵۹۸۸۳۳۵۱ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند.  
۴- کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور بانکی از قبیل چک، سفته، بروات، عقود اسلامی و سایر اوراق عادی و اداری با امضای آقای احمد رضا غریب پور به تنهایی همراهم شرکت معتبر شد.  
۵- روزنامه کنیترال انتشار جمهوری اسلامی جهت درج آگهی‌ها شرکت انتخاب گردید. شیمافراز، رئیس اداره ثبت شرکتها و مالکینهای صنعتی و معنوی منطقه آزاد کیش

### خدمات

**خدمات برق**  
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی  
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

**خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی**  
مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری  
رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

**حمل و جابجایی کالا**  
با ۶ چرخ در سطح جزیره  
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

**خدمات تصفیه آب**  
فروش و خدمات تصفیه آب  
فروشگاه آب تمین  
ونوس طبقه اول ۱۹۴  
۰۹۳۴۷۶۹۶۶۵۷

### مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۰۶۹۷۴/۰۱ به نام محمد فیضی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۰۶۹۷۳/۰۷ به نام رادین فیضی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

### استخدام

استخدام منشی عصر آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است . متقاضیان به نشانی وبلاهای مروراید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند . ساعت کار: بعدازظهر (۲ تا ۹ شب) شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹

خانم کارمند امور اداری جهت کار در یک شرکت استخدام می‌شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی وبلاهای مروراید بلوک ۵۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

### تدریس خصوصی

تدریس خصوصی دروس ریاضی، فیزیک و شیمی از پایه نهم تا دانشگاه توسط استاد مجرب با ۸ سال سابقه تدریس به همراه کلاسهای امادگی تست کنکور شیمی توسط مهندس شیمی با نازلترین قیمت و یادگیری تضمینی  
۰۹۳۶۲۶۰۴۲۸۱

### کابینت تجهیزات اداری

ساخت کابینت و کمد کابینت لوکس آماده با قیمت عالی بهکیش غ ۳۲ بهکیش ۰۹۱۲۱۱۲۲۶۱۶

## نمایشگاه پرده هرمز

(مهندس مرتضی اصغری)

ارائه کلیه خدمات پرده و عرضه لوازم جانبی آن  
کاغذ دیواری - پوستر - کالای خواب  
طراحی و اجرای تخصصی دکوراسیون داخلی

kish\_pardehormoz.asghari  
kish\_pardehormoz.asghari  
0914 457 4470